

دکتر حسین احمدی

استادیار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

ahmadi@iichs.org

کوشش میسیونرهای آمریکایی برای جذب نستوریهها (از دوره محمدشاه تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار)

چکیده:

میسیونرهای پروتستان مذهب آمریکایی که در اواخر سلطنت فتحعلی شاه قاجار وارد ایران شدند پس از یادگیری بعضی از زبان‌های بومی منطقه شمال غربی ایران، تبلیغات مذهبی خود را با هدف گرایش مردم ارومیه به مذهب پروتستان شروع کردند. نظر به این که روسها پشتیبان ارمنیها و فرانسویان حامی کاتولیکها بودند میسیونرهای آمریکایی در ابتدای کار اقدامات قابل توجهی برای جذب این دو گروه مذهبی از خود نشان ندادند. باتوجه به این که نستوریهها فاقد پشت بند خارجی بودند میسیونرهای آمریکایی با استفاده از سرمایه کلان و حمایت سفارت انگلیس در تهران یارگیری گسترده خود را از نستوریهها ارومیه شروع کردند.

این مقاله با استفاده از اسناد وزارت خارجه ایران قصد تبیین تغییر مذهب نستوریهها به وسیله میسیونرهای آمریکایی در دوره محمدشاه و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار را دارد.

کلید واژه:

پروتستان، نستوری، ارمنی، ارومیه، آمریکا.

مسیحیان ایران را در اواخر دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار بین سی تا دویست هزار نفر تخمین زده‌اند. بیشتر مسیحیان شمال غربی ایران در ارومیه، خوی، مراغه، سلماس، تبریز، نقده، اشنویه، مهاباد، اردبیل، مشکین شهر، خلخال و اهر زندگی می‌کردند. اکثر مسیحیان ایران به نام ارمنیها و نصاری شناخته می‌شدند که مذهب آنها به ترتیب گریگوری و نستوری بود. غیر از این دو تعداد اندکی کاتولیک نیز در ایران زندگی می‌کردند. از جمعیت دویست و پنجاه هزار نفره ارومیه و اطراف، در اوایل سلطنت محمد شاه قاجار دو هزار و پانصد خانوار و ده هزار نفر از زن و مرد و اطفال مسیحی بودند که بیشتر آنها مشغول کارهای، رعیتی و کاسبی بودند.^۱

در سال ۱۸۳۲ م مرکز تبلیغات مذهبی خارجی ایالات متحده امریکا فردی به نام ج. ل. مریک (J.L. Merrik) را به اتفاق دو میسیونر آلمانی به ایران فرستاد. این سه نفر پس از مسافرتی به شهرهای اصفهان، تهران و شیراز در مراجعت گزارشی به مرکز خود در امریکا ارائه دادند. در نتیجه دو نفر به اسامی الی‌اسمیت (Eli Smith) و دوایت (Dwight) مامور به مسافرت به سوریه، آسیای صغیر، ارمنستان و ایران شدند. این دو نفر ضمن بازدید از ارومیه، آشوریان را برای تبلیغات و روی آوردن به آئین پروتستان بسیار مناسب دیدند و در هنگام برگشت یک کشیش نستوری به نام ماریوحنان (Maryohanan) را با خود به امریکا برد. این کشیش، امریکائیان را در فراهم آوردن گزارشی به نام «پژوهشی در ارمنستان ایران» یاری داد^۲ این هیأت امریکایی به انجمن مسیحیان بوستون پیشنهاد کردند که موسسه میسیونری در ایران دایر شود.^۳ متعاقب این درخواست مرکز تبلیغات خارجی آمریکا در سال ۱۸۳۳ م هیأتی را به سرپرستی جوستن پرکینز (Justin Perkins) به ایران فرستاد که از همراهان پرکینز علاوه بر همسرش پزشکی به نام دکتر گرانت (Grant) نه سال پس از ورود به ایران در سال ۱۸۴۴ فوت کرد. (و همسرش، کشیش هاس (Haas) و چند بانوی آموزگار و پرستار از جمله بانوبلیس (Bliss)، استودارد (Stodard) دوشیزه مایر (Mayer) بود. این هیئت در ربیع الثانی ۱۲۵۰/ ماه اوت ۱۸۳۴ وارد تبریز شد و پس از گذراندن دوره یک ساله آموزش زبان

آشوری در روز جمعه بیست و نهم رجب ۱۲۵۱/ بیستم نوامبر ۱۸۳۵ به ارومیه رفت^۴ و با اجازه نمودن دو سه باب خانه یک سالی را در آن زندگی کردند.^۵

نظر به این که آشوریان از نظر علمی و فرهنگی و سطح سواد در وضعیت نامطلوبی قرار داشتند میسیون پروتستان امریکایی سعی در جذب آشوریان نمودند. پرکینز بعد از ورود به ارومیه، در رفتار و زندگانی خود از آداب و رسوم آشوریان تقلید کرد، مانند آنها لباس می پوشید، کلاه شصت سانتی متری آشوریان را به سر می گذاشت و در سخنان خود آشوریان را «ملت من» می نامید و هفته ای دو سه بار در کلیسا، مجالس سخنرانی تشکیل داد.^۶

قبل از حضور میسیونرهای پروتستان مذهب امریکایی در ارومیه مذهب پروتستان در ایران رواج نداشت^۷ و دولت ایران هم غیر از مذاهب نستوری، گریگوری و کاتولیک مذهب مسیحی دیگری را به رسمیت نمی شناخت^۸ و خواستار جلوگیری از تبلیغات کشیشان پروتستان مذهب ینگی دنیا برای جذب پیروان سایر مذاهب بود تا مذهب مسیحی دیگری در ایران ایجاد نشود^۹ جان الدر هم اعتراف می کند که مذهب پروتستان در ایران با ورود میسیون امریکایی در شمال غربی ایران و پس از سال ۱۸۷۲ م با ورود این میسیون در تهران ایجاد شده است^{۱۰}.

میسیونرهای امریکایی در ابتدای ورود سعی در جلب حمایت دولت ایران و کارگزاران محلی و منطقه ای داشتند اما به مرور ایام با جا افتادن و پی بردن به نقاط ضعف و قوت کار جامعه ایرانی، به فرمان مأمورین دولت تمکین نمی کردند و در صورت پافشاری کارگزاران ایرانی به اجرای قوانین و دستورات از طریق سفارتخانه های خارجی در ایران اسباب عزل مأمورین دولت را فراهم می کردند^{۱۱} در اسناد حمایت های گسترده سفارت انگلیس - که مسئول حفظ حقوق اتباع امریکایی در ایران بود^{۱۲} از میسیونرهای پروتستانی امریکا کاملاً مشخص و عیان است^{۱۳} در بسیاری از جاها میسیونرهای امریکایی هماهنگی لازم را با سفارت انگلیس جهت ادامه سیاست های خود انجام می دادند^{۱۴} و از فرمانهای سفیر انگلیس به هر صورت اطاعت محض داشتند^{۱۵} در راستای حمایت های خارجی

گسترده از میسیونرهای مذهبی بود که مأمورین دولت ایران ترس از برکناری و تنبیه خود توسط وزیر مختارهای خارجی به ویژه سفرای انگلیس، روس و فرانسه در تهران را داشتند، عاملی که مانعی در مقابل کارگزاران ایرانی بود تا در مقابل روند رو به گسترش اقدامات میسیونرهای خارجی در ایران ایستادگی کنند. علی‌عسگر سرپرست مسیحیان ارومیه و سلماس در نامه‌های متعددی به وزیر خارجه ایران به سال ۱۲۷۱ ق‌التماس کنان از وی می‌خواهد در صورتی که سفرای خارجی اظهار شکایت و رنجشی از او نمایند قبل از این که از او تحقیق کنند در مقام مواخذه و عتاب و نهایتاً برکناری وی بر نیایند^{۱۶} با وجود دستورالعمل رسمی دولت ایران مبنی بر عدم خرید ملک توسط تبعه خارجی در کل ارومیه و سلماس - و در صورتی که خریده باشند باید بفروشند^{۱۷} با استفاده از حمایت‌های خارجی، میسیونرهای امریکایی به اندازه ده خروار زمین زراعی در اطراف ارومیه خریداری کردند^{۱۸} و عمارتی هم در روستای کولان با خریداری زمین ساختند^{۱۹}

برای روشن شدن حمایت دولت انگلیس از میسیونرهای پروتستان مذهب امریکایی نامه تهدید آمیز کنسول انگلیس به علی‌عسگر سرپرست مسیحیان ارومیه در سلماس که در چهارم رجب ۱۲۷۱ ق نوشته شده و هم اکنون در وزارت خارجه ایران ضبط است عیناً آورده می‌شود:

عالیجاها مجدد و نجدت همراهها دولت مهربانا

اوقاتی که آن عالیجاه به ارومی می‌رفت در باب عالیجاها کیشیهای ینگی دنیای خود آن عالیجاه دوست مهربان مکرر می‌گفتند که به آنها به طور و طرز خوشی رفتار خواهد شد. بعد از رفتن آنجا بعضی تکالیف به کیشیهای مشارالیه می‌نماید که در حقیقت قدری بدنما است و آن قراری که خود آن عالیجاه می‌گفت برعکس آنها می‌باشد چون که عالیجاها کیشیهای مزبور در زیر حمایت این دولت فخریمه می‌باشند. لهذا آن عالیجاه اظهار زحمت می‌دهد که:

اولاً حسب الوعده مکرر می‌گفتند به آنها حرکت نمایند.

ثانیاً درخصوص ایشان این اوقات که جناب جلالتمدار وزیر مختار این دولت فخمیه به دارالخلافه تشریف آورده‌اند زحمت می‌رود که محاوره خواهند فرمود و قراری که در امر ایشان لازم است اجرا خواهند داشت آن عالیجاه حالا به هیچ وجه من الوجوه در امر آنها رجوعی و قرار علاوه نداشته باشید از این به بعد هر طور از دارالخلافه طهران قراری دادند معمول خواهد شد.

دوستدار کمال محبت و میل قبلی به آن عالیجاه دارم و همیشه طالب این مرحله هستم که عالیجهان کشیشهای مزبور آسوده و مرفح الحال کمافی‌السابق مشغول کار بار خودشان بوده از احدی نسبت به آنها حرفی نباشد. زیاده از این چه زحمت بدهم همه اوقات سلامتی حالات را.... (یک کلمه خوانده نشد.) و امورات اتفاقیه خودتان مصلحت واری فرمایند حرر فی ۴ شهر رجب المرجب ۱۲۷۱.

در حاشیه :

و باید تا به حال به آن عالیجاه دوست مهربان هم معلوم و مشخص بوده باشد که کشیشهای مزبور چیزی نکرده‌اند مگر اطاعت حکم خدا و رضای خداست و زحمتی که می‌کشند نوعی خدمتی است که به دولت علیه و رعیت دولت علیه منفعت دارد چنانچه در کل ممالک از هندوستان و چین و سایر جاها از این صاحبها هستند آن چه لازمه توقع و احترام است در حق ایشان بجا می‌آورند و کمال رضامندی را همیشه می‌کنند و این مشغولیت ایشان در ارومی تازگی ندارد از بیست سال آنجا بوده‌اند و با کمال احترام و رضامندی اهالی آنجا راه رفته‌اند.

خلاصه به ایشان تکلیفشان خواسته باشند بگذارند در خصوص ایشان باید با جناب جلالتمدار وزیر مختار دولت فخمیه قرار بدهند از راه دوستانه بخصوص سفارش کار آنها را می‌نمایم که هر قدر محبت و مهربانی و دوستی را در حق ایشان به عمل بیاورید دوستدار از خود ممنون کرده و می‌توانم اظهار رضامندی به جناب وزیر مختار بنویسم و همان قدر از آن عالیجاه خواهش دارم درخصوص ایشان به حرف بعضی آدمهای شریر و ارباب غرض گوش نداده با رأی‌العین خود ملاحظه امر آنها را کرده و آنچه لازم است

خوبی در حق ایشان بجا آورده که رضامندی از آن عالیجاه داشته باشند و دیگر ماموریت آن عالیجاه که به جهت سرپرستی نصارا و آرامنه رعیت دولت علیه است که از آنها متوجه باشید که کسی زیادتى به آنها نکنند در امورات کشیش‌های مزبور به هیچ وجه به شما مدخلتی ندارد و در تحت اختیار آن عالیجاه نیستند لکن محض دوستانه خواهش نمودم که در امر ایشان حتی المقدور اهتمام و مراقبت را نموده که از شما رضامندی داشته باشند. فی ۴ شهر رجب المرجب ۱۲۷۱^{۲۰}

مدارس اولیه

اولین مکتب خانه میسیونرهای پروتستان مذهب امریکایی در روز بیست و نهم رمضان ۱۲۵۱ / هیجدهم ژانویه ۱۸۳۶ با هفت دانش آموز گشایش یافت. در روز دوم هفده نفر ثبت نام کردند که بین آنها سه خادم کلیسا و یک کاهن نستوری بود. پس از سه ماه آموزشگاه تعطیل شد. پس از بازگشایی مجدد ۵۵ نفر در آن ثبت نام کردند. تا چند سال بعد به ندرت تعداد دانش آموزان از این رقم تجاوز می‌کرد^{۲۱} در رجب ۱۲۵۲ / اکتبر ۱۸۳۶ ملک قاسم میرزا حاکم ارومیه و کامران میرزا حاکم تبریز برای دیدار به مدرسه پرکینز رفتند. دستور پرداخت ماهیانه ۱۲ صاحبقران به دانش آموزان صادر شد^{۲۲}. در بیست و هفتم ربیع الاول ۱۲۵۵ محمدشاه در تشویق نامه‌ای به پرکینز نوشت: از قرار اطلاعی که از طریق عمویش ملک قاسم میرزا به وی رسیده عالیجاه به شوق و میل خود در ارومیه مدرسه ترتیب دادن و با انس و الفت تمام مشغول تربیت و تعلیم جوانان و نشر علوم می باشد. محمدشاه در آخر فرمان توصیه می‌کند که پرکینز باید در تربیت و تکمیل جوانان بیشتر از گذشته کوشش کند و علمی مثل تاریخ، جغرافیا، هندسه و حساب به دانش آموزان بیاموزد^{۲۳}.

سیاست اعلامی دولت ایران در خصوص مدارس دخترانه عدم اختلاط دختران و پسران برای درس خواندن بود. مدارس دخترانه‌ای که معلم مرد داشت از سوی دولت ایران تحت فشار بود به همین دلیل کشیشان امریکایی از مرکز تبلیغات مذهبی امریکا خواستار

اعزام معلمان زن برای مدارس دخترانه شدند^{۲۴} خانم گرانت همسر یکی از اطبای میسیونرهای امریکایی پس از ورود به ایران اولین آموزشگاه دخترانه میسیونرهای امریکایی را در ایران به راه انداخت. خانم گرانت زبان ترکی را مانند زبان مادری خود آموخته بود و خواندن زبان آسوری قدیم و محاوره به زبان جدید آسوری را به خوبی فرا گرفت. وی زبان انگلیسی را به اسقف ماریوحنان و عده دیگر از اسقفهای نستوری تعلیم داد. خانم گرانت در پانزدهم ذیحجه ۱۲۵۳ / دوازدهم مارس ۱۸۳۸ آموزشگاه دخترانه خود را که فقط چهار نفر شاگرد دختر نستوری داشت تاسیس نمود.^{۲۵} خانم گرانت در سال ۱۸۳۹ درگذشت و کارهای وی را دوشیزه فیدلیافیسک (Fidelia Fisk) که در شانزدهم جمادی الثانی ۱۲۵۹ / چهاردهم ژوئیه ۱۸۴۳ به ارومیه رسید ادامه داد. پس از چهار ماه از اقامت اولیه، میسیون امریکایی تقاضای او مبنی بر تامین مخارج شش نفر دختر برای تعلیم شبانه روزی را تصویب کرد اما پس از دو ماه شروع به کار حتی یک نفر برای ثبت نام نیامد پس از دو ماه دو دختر توسط اسقف ماریوحنان برای ثبت نام به این آموزشگاه آورده شدند. خواهرزاده هفت ساله ماریوحنان و یک دختر دو ساله. تا بهار سال بعد با همین دو دختر کار ادامه یافت ولی تعداد دختران در سال ۱۸۴۵ م بر چهل نفر بالغ شد و تا چهل سال بعد در تعداد دانش‌آموزان تغییر چندانی به عمل نیامد. در این مدارس دخترانه انشاء صحیح در کتاب عهد عتیق، ستاره شناسی، جغرافیا و سرود تدریس می‌شد^{۲۶}.

چاپخانه

سیاست اولیه دولت ایران این بود که چاپخانه میسیونرهای امریکایی متوقف نشود.^{۲۷} ولی میسیونرهای اجازه ندارند بدون اذن سرپرست مسیحیان ارومیه و سلماس چیزی چاپ نمایند. به کارگزار دولت توصیه شده بود با چاپ کتبی که در آن از قوانین آزادی که ضرر به حالت رعیت داشته باشد موافقت نکند و در صورت چاپ چنین کتابهایی را از دست مردم جمع آوری کند.^{۲۸}

پرکینز برای گسترش سریع‌تر اهداف پروتستانهای امریکایی، در مذاکره با هیأت مرکزی میسیون امریکایی حمایت آنها برای ارسال چاپخانه‌ای به ارومیه را جلب نمود. این چاپخانه با سرعت و مشکلات فراوان در سال ۱۸۴۰م وارد ارومیه شد. یک نفر متخصص چاپ به نام بریت (Breath) که از طرف میسیونرهای امریکایی استخدام شده بود آن چاپخانه را به راه انداخت. نخستین کتابی که توسط کاهنان آسوری ترجمه و در این چاپخانه به چاپ رسید و انتشار یافت «در پیرامون لزوم قلب جدید» نام داشت. قبل از تاسیس چاپخانه و انتشار کتب به زبان آسوری مانعی که در برابر پرکینز و همراهانش قرار داشت نداشتن مداد، کاغذ، کتاب و تخته سیاه توسط دانش‌آموزان مدرسه بود. پرکینز مطالبی را از انجیل به زبان آسوری ترجمه نموده آنها را بر روی کارت می نوشت و در میان مردم انتشار می داد. برای آموختن حساب در جعبه‌ای ماسه ریخته روی آن با انگشت می نوشتند.^{۲۹}

میسیونرهای امریکایی گرچه به علی عسگر سرپرست مسیحیان ارومیه و سلماس اعلام می کردند در چاپخانه سوای انجیل، تورات و زبور چیز دیگری را چاپ نمی کنند ولی خبرهای رسیده به کارگزار دولت ایران حکایت از چاپ کتب متعدد دیگری داشت.^{۳۰} میسیونرهای امریکایی بعدها در نوشته هایشان اعتراف کردند که در دوره ۳۶ ساله حضور اولین گروه از میسیونرهای پروتستان امریکایی - که با مرگ پرکینز در آخرین روز سال ۱۸۶۹ دوره آن به پایان رسید - همه آنها روزانه ۸ ساعت وقت صرف ترجمه کتب و مطالبی می شد که قرار بود منتشر شود^{۳۱} این امر به وضوح از درستی گزارش سرپرست

مسیحیان ارومیه و سلماس به وزیر خارجه ایران حکایت می‌کند. ترجمه همه آن مطالب نمی‌توانست فقط صرف چاپ سه کتاب انجیل، تورات و زبور بوده باشد. اسناد نشان می‌دهد که سال به سال غیر از موارد فوق الذکر کتب دیگری به زبان و خط آسوری توسط میسیونرهای امریکایی چاپ و بین نستوریان پخش می‌کردند^{۳۲} به علاوه سالی سه تا چهارهزار تومان صرف چاپ شامل خمیر، کاغذ، مرکب، خرج کارگر و غیره می‌کردند^{۳۳}

دولت ایران با مشاهده گسترده‌گی کتب چاپی میسیونرهای امریکایی در ارومیه و روستاهای اطراف که با مخالفت‌های گسترده میسیونرهای لازاریست فرانسوی^{۳۴} و سفارت فرانسه در تهران همراه بود - و درگیری بین مسیحیان طرفدار و مخالفان پروتستانهای امریکایی که با خرابی ولایت، کمبود درآمدها و معیشت و اختلال نظم همراه بود^{۳۵} به سرپرست مسیحیان ارومیه و سلماس دستور داد که از کشیشان امریکایی بخواهد که چاپخانه خود را تعطیل کنند. علی‌عسگر در ملاقات با میسیونرهای امریکایی دستورالعمل دولت ایران را به آنها ابلاغ کرد. میسیونرهای پروتستان پس از سردواندن و به بازی گرفتن کارگزار دولت ایران و ظاهراً پس از هماهنگی با سفارت انگلیس و با گذشت چندین روز به وی اطلاع دادند موقوف کردن چاپخانه فقط در صورتی امکان‌پذیر است که وزیر مختار انگلیس به آنها بنویسد.^{۳۶}

گسترش مدارس

دولت ایران نه تنها مخالف ایجاد مکتب خانه و مدارس خارجی در ایران نبود^{۳۷} بلکه به مدارس خارجی در ایران به صورت ماهانه مقرری هم برقرار کرده بود^{۳۸}

جذب گسترده دانش‌آموزان برای مدارس در شهر ارومیه و روستاهای اطراف با نامگذاری مبلغین پروتستان امریکایی در ایران به نام «میسوین برای نستوریان ایران» توسط پرکینز شروع می‌شود. این نامگذاری نشان دهنده تمرکز اصلی کشیشان امریکایی برای یارگیری از نستوریان بود^{۳۹} میسیونرهای امریکایی با توجه به نفوذ گسترده روسیه در ایران اطلاع داشتند که در صورت دعوت از ارمینیا برای گرایش به مذهب پروتستان بساط آنها

توسط روسها - با توجه به این که بهمن میرزا حاکم آذربایجان تمایلات روسی داشت^{۴۰} در سریع‌ترین زمان ممکن جمع‌آوری خواهد شد به همین جهت به شدت مراقب بودند تا رنجش روسها را فراهم نکنند ضمن این که کنت مدم سفیر پروتستان مذهب روسیه خود از حامیان جدی میسیونرهای امریکایی بود^{۴۱} از طرف دیگر میسیونرهای امریکایی می‌دانستند کاتولیک‌ها هم مورد حمایت دولت فرانسه هستند.

حملات تبلیغاتی سنگین پروتستانهای امریکایی متوجه تخریب نستوریهها بود که در این زمان وابستگی به هیچ دولت خارجی نداشتند. میسیونرهای امریکایی پذیرش مذهب پروتستان از سوی نستوریان را گرایش به بیداری و مسیحیت و دوری از اعمال ناشایست و ناروا و کلیسای نستوری را استخوان پوسیده‌ای می‌دانستند که گوری برای دفن پاکی و مجاهدات مسیحی است^{۴۲}

کشیشان پروتستان امریکایی برای تضعیف مذهب نستوری سعی در جذب رهبران روحانی این مذهب نمودند. کشیشان امریکایی تعدادی از کشیش‌های نستوری را با پرداخت قابل توجه به کیش خود درآوردند و از آنها در راستای گسترش کار خود به ویژه در روستاهای ارومیه استفاده کردند^{۴۳}.

هدف میسیونرهای امریکایی به جای ایجاد کلیسای پروتستانی، تصرف و احیای کلیساهای نستوری به نام خودشان بود. رویه کار هم این چنین بود که با جذب روحانیون نستوری به مذهب پروتستان از آنها دعوت می‌کردند که با ماندن در کلیساهای خود به آرامی این کلیساها را به تصرف پروتستانهای امریکایی بدهند با همین روش پایداری پانزده ساله کلیسای نستوری در مقابل تبلیغات پروتستان امریکایی منجر به تجزیه آن شد و تعدادی از پیشوایان قدیم از جمله برادر پاتریارخ سابق، سی نفر از اسقفان، هشتاد نفر از کشیشان و عده دیگری از روحانیون رسماً به پروتستان پیوستند و کلیساهای پروتستانی از دل کلیساهای نستوری شکل گرفت.^{۴۴}

در گزارش علی عسگر سرپرست مسیحیان ارومیه و سلماس که به تاریخ دوازدهم رجب ۱۲۷۱ برای وزیر خارجه ایران ارسال شده صورت مدارس، تعداد معلمین فرنگی و

نستوری، میزان حقوق دریافتی آنان و تعدادی شاگردان به وضوح آمده است. (اعداد و ارقام این سند به خط سیاق می‌باشد و برای اولین بار است که خوانده و منتشر می‌شود.) در میان ۵۵ مکتب خانه میسیونرهای امریکایی ۶۲ نفر معلم که ۹ نفر آنها فرنگی و ۵۳ نفر نستوری بودند دیده می‌شدند. شاگردان این مدارس ۱۰۸۴ نفر که ۷۱۹ نفر پسر و ۳۶۵ دختر بودند.

میسیونرهای امریکایی در شهر ارومیه دارای سه باب مدرسه و شش نفر معلم - سه نفر فرنگی و سه نفر نستوری - که هشتاد دانش آموز داشت تدریس می‌کردند.

در محله نه نه مریم سه باب مدرسه با سه معلم از کشیشان امریکایی به نام‌های حکیم صاحب، برت صاحب و موهان صاحب و معلمین نستوری نیز سه نفر به نام‌های شمشه اوشانه، شمشه کمور و شمشه مالی بودند. کلیه مخارج دانش آموزان از بابت کاغذ، مرکب، معلم توسط میسیونرهای پروتستان امریکایی تامین می‌شود.

مکتب خانه‌هایی هم در خانه‌های خودشان به صورت شبانه روزی درست کرده و فقط دخترها را درس می‌دادند. کلیه مخارج ۸۵ دانش‌آموز این مدارس بر عهده میسیونرهای امریکایی می‌بود سه نفر از معلمین این مدرسه با نام‌های پرنس، نرگس و جوس نو از زنهای پروتستان امریکایی بودند. دخترهای کوچک ده تا دوازده ساله این مدرسه ۵۰ نفر و دخترهای بزرگ ۳۵ نفر بودند.

در محله کول فتحعلی خان در شهر ارومیه نیز یک مکتب‌خانه میسیونرهای امریکایی با شانزده شاگرد و معلمی به نام قشه گورگیزپت - که ماهی دوتومان موجب می‌گرفت - قرار داشت.^{۴۵} در میان معلمانی که در آموزشگاه‌های پسرانه در شهر درس می‌دادند نام دو امریکایی به نام استادارد و استوکینگ (stocking) دیده می‌شود^{۴۶}

میسیونرهای امریکایی از اول فصل پائیز تا اول فصل بهار در مدارس و مکتب خانه‌ها شروع به تعلیم و تدریس اطفال می‌کردند^{۴۷} و هر سال در فصول بهار و تابستان اطفال مدارس را جهت کمک به خانواده‌هایشان در امر کشاورزی، رعیتی و کاسبی تعطیل

می‌نمودند^{۴۸} فقط در مدرسه کوه سیر و بعضی از مدارسی که در خانه‌های خودشان درست کرده بودند^{۴۹} در تمام طول سال به امر تعلیم و تعلم اطفال نستوریه‌ها اشتغال داشتند^{۵۰}.

مدرسه کوه سیر

میسوینرهای امریکایی در سال ۱۸۴۶م در روستای کوه سیر که در یک فرسخی ارومیه قرار داشت ضمن ساختن چهار برج، آموزشگاهی در آن ایجاد کردند که همیشه یک خانوار از میسوینرهای امریکایی در آن ساکن بود^{۵۱} اطفال نستوری را در آنجا به صورت شبانه روزی به مدت پنج سال آموزش می‌دادند و تمام مخارج اطفال و معلمین که ماهیانه یکصد تومان می‌شد را بر عهده داشتند^{۵۲} میسوینرهای پروتستان مذهب امریکایی شاگردان مدارس مختلف را در طول تحصیل در فصول پائیز و زمستان را زیر نظر می‌گرفتند آنهایی را که دارای توانایی بالا در امر یادگیری بودند را گزینش و به مدرسه کوه سیر منتقل می‌کردند^{۵۳}.

در سال ۱۲۷۱ ق شاگردان این مدرسه شبانه‌روزی ۵۴ نفر بودند. سه نفر معلم نستوری مدرسه هر ماه نفری دو تومان پنج هزار دینار موجب می‌گرفتند. سه کشیش پروتستان امریکایی به نامهای سرکیس صاحب، کاسان صاحب و مشاورانس صاحب نیز به عنوان معلم مشغول به کار در مدرسه بودند^{۵۴} از ورود هر کسی به مدرسه حتی مامور دولت ایران به هر نحو ممکن جلوگیری می‌شد^{۵۵}.

از مدرسه کوه سیر که به عنوان فراموش خانه در اسناد یاد شده است^{۵۶} اطفال نستوری تحت تعلیم ویژه کشیشان پروتستان امریکایی ضمن یادگیری علوم و مذهب آنها به کیش پروتستان در می‌آمدند^{۵۷} میسوینرهای امریکایی فارغ التحصیلان مدرسه کوه سیر را با پرداخت حقوق ماهیانه دو تومان^{۵۸} به سه دسته تقسیم می‌کردند:

آنها که در درجه اول بودند خلیفه، کسانی در درجه ثانی قرار داشتند قشه و مرتبه آخر را شمشه می‌نامیدند و باتوجه به کمبود شدید معلم در روستاها آنها را به عنوان معلم به مکتب خانه و مدارس روستایی اطراف ارومیه برای تعلیم اطفال نستوری می‌فرستادند^{۵۹}.

گرچه دستورالعمل دولت ایران این بود که اطفالی که در مدارس کشیشان امریکایی درس می‌خوانند اجازه ندارند در روستاهای دیگر مشغول معلمی بشوند.^{۶۰} به دستور کشیشان ینگگی دنیا این معلمین حق نداشتند تغییر مذهب خود را آشکار کنند و نظر به این که مذهب اجدادی آنها نستوری بود ظاهراً باید اعلام می‌کردند همچنان مذهب سابق خود را حفظ کرده اند اما در باطن وظیفه داشتند بعد از جلب قلوب اطفال نستوری به آرامی آنها را به کیش و مذهب پروتستان درآورند.^{۶۱}

اسامی تعدادی از اولین معلمانی که در نزد کشیشان پروتستان امریکایی در مدرسه

کوه سیر ارومیه تربیت یافته بودند به قرار ذیل است:

خلیفه یوحنا ساکن روستای دیکاله

قشه ابراهیم ساکن روستای اردیشاهی

شمشه یوسف ساکن روستای دیکاله

شمشه ریس ساکن روستای آرده

شمشه یعقوب ساکن روستای سپرقال

حکیم یوسف ساکن روستای کولان

شمشه هوسهم ساکن روستای گوگ تپه

شمشه صاد ساکن روستای گوگ تپه

قشه مرادخان ساکن روستای گوگ تپه

شمشه یوحنا ساکن روستای گوگ تپه^{۶۲}

۹۹ نفر شاگرد در سال ۱۸۶۵م و ۱۲۲ نفر در سال ۱۸۶۹ م از این آموزشگاه فارغ

التحصیل شدند و اکثریت قریب به اتفاق آنها به خدمت کشیشان امریکایی درآمدند.^{۶۳}

در مدارس میسیونرهای امریکایی تورات، انجیل، جغرافیا، علم حساب، تاریخ،

ریاضی، نجوم و سایر علوم تدریس می‌شد^{۶۴}

مدارس روستایی

میسوونرهای امریکایی تا سال ۱۲۷۱ ق در روستاهای ارومیه ۴۴ باب مکتب خانه برپا کردند که در آنها ۴۹ نفر معلم و ۸۸۹ نفر شاگرد - که ۳۰۰ نفر از آنها دختر بودند - تحت تعلیم قشه و شمشه درس می‌خواندند. قشه‌ها ماهی دو تومان و شمشه‌ها ماهی یک تومان پنج هزار دینار دریافت می‌کردند^{۶۵} جان الدر در صفحه ۲۲ می‌نویسد میسیون امریکایی در سال ۱۸۳۹ در ۱۲ روستا و در سال بعد در ۷۰ روستا مکتب خانه ایجاد کردند. در همان صفحه وی آماری ارائه می‌دهد که به نوعی تصحیح آمار قبلی‌اش محسوب می‌شود:

شاگرد/ نفر	مدرسه	سال
۵۳۰	۲۴	۱۸۳۷-۴۷
۹۴۸	۵۰	۱۸۴۷-۵۷
۱۰۹۶	۵۱	۱۸۵۷-۶۷
۱۰۲۴	۵۸	۱۸۶۷-۷۷
۱۸۲۳	۸۸	۱۸۷۷-۸۷
۲۴۱۰	۱۱۷	۱۸۹۵

آمار ارائه شده اخیر به نوعی با ارقام ارسالی از سوی میسیونرها امریکایی به علی‌عسگر کارگزار دولت ایران همخوانی دارد.

روستا	مدرسه /باب	شاگرد/ نفر	معلم/ نفر	نام معلم
آده	۲	۴۱	۳	قشه شمشه غزانو قشه صاد
انهر	۱	۱۴	۱	قشه اسحق
آبرود آقاج	۱	۲۱	۱	قشه عیسی
ریحان آباد	۱	۱۸	۱	قشه نیکو
اردیشاهی	۱	۱۵	۱	شمشه یوسف
بابارود	۱	۱۲	۱	قشه اوشانه
چهار بخش	۱	۴۵	۲	قشه مه‌ای قشه اله
کوسی	۱	۳۴	۱	قشه اسحق
دیکاله	۲	۴۳	۳	قشه شمعون - شمشه مرکه - شمشه باباخان
موسی آباد	۱	۱۷	۱	شمشه غز
ینگجه سی	۱	۱۷	۱	قشه ماروکین
دیزج	۱	۱۷	۱	قشه اوشانه
کولان	۲	۵۵	۲	قشه بابونه شمشه نرگس
گوگ تپه	۴	۶۹	۶	قشه یوحنا - شمشه لارو - شمشه نرگس - قشه خانی - قشه لارو - شمشه خاتون
کلاتین	۴	۹۰	۵	قشه لوساو - قشه هوکار - شمشه نیکو - شمشه مالو - قشه خزانو
جیزه	۱	۳۲	۱	قشه شمعون
علی آباد	۱	۱۶	۱	قشه ورده
سارادلان	۱	۱۷	۱	قشه عیسو
جمال آود	۱	۲۲	۱	قشه شمعون
مرادلو	۲	۴۰	۲	قشه ۱۹ و شمشه صاد
موله	۱	۱۵	۱	قشه کریم
دیزج تکیه	۱	۱۵	۱	شمشه یوسف

^۱. در سند اسم قشه نوشته نشده است.

قشه انوشه و شمشه یوحنا	۲	۳۰	۱	ماری
قشه اسرافیل	۱	۱۸	۱	سرآباد
قشه موسی	۱	۲۵	۱	سررعلیا
قشه خسرو	۱	۱۵	۱	کلیسای سر
قشه نیکو	۱	۱۹	۱	شمس خاقان
قشه موسی	۱	۲۲	۱	تکیه
قشه صاد - شمشه یادگار - شمشه بدن	۳	۸۰	۲	وزیر آباد
قشه بدن	۱	۱۵	۱	اوله سلماس

با در نظر گرفتن حقوق معلمین، هزینه‌های دانش‌آموزان و خرج چاپخانه سالانه

هفت هزار تومان مخارج کشیشان پروتستان امریکایی در ارومیه بود^{۶۶}

پس از گستردگی مدارس پروتستانهای امریکایی دولت ایران طی دستورالعملی به

سرپرست مسیحیان ارومیه و سلماس نوشت که هیچ کدام از کشیشان ینگلی دنیا اجازه ندارند که تبعه دولت ایران را - که مذهب دیگر دارد- به مذهب خودشان دعوت کنند. در صورت دعوت و موعظه ضمن گزارش سریع به دولت، باید جلوی کار آنها گرفته شود.^{۶۷}

در سال ۱۸۴۰ م پاتریارخ نستوری اقدام گسترده‌ای را برای تعطیلی مدارس

مسیونرهای امریکایی انجام داد که به دنبال آن تعداد قابل توجهی از مدارس امریکائیان تعطیل و عده شاگردان به طور محسوسی کاهش یافت.^{۶۸}

برخلاف کشیتهای کاتولیکی فرانسوی که آشکارا همه مردم را به مذهب خود

دعوت می‌کردند^{۶۹}. مسیونرهای امریکایی به صورت نرم و مخفیانه به این کار دست می

زدند^{۷۰} حتی از بدو ورود به ایران در هر فرصتی مسلمانان را نیز به مذهب خود دعوت

می‌کردند^{۷۱} گر چه در ظاهر می‌گفتند، به معلمین و اطفال نستوری برای آموزش طریقه

ملت و مذهب نستوری محض بدون ثواب موجب می‌دهیم ولی در باطن منظورشان از این

خرج‌ها این بود که آئین و مذهب خودشان تعلیم دهند و نستوریان را پیرو مذهب

پروتستان گردانند^{۷۲}

میسیونرهای امریکایی ابتدا هر گونه تبلیغ دینی را انکار و چنین وانمود می‌کردند که قصد اصلاح دارند و هدفشان ایجاد مذهبی جدید نیست از این رو ابتدا از کار اینها استقبال شد و پس از مدتی به تبلیغ مذهبی پرداختند.^{۷۳} بعد از این که معلوم شد گفتار کشیشان آمریکایی برای بردن ثواب از خرجهای فوق شعاری بیش نیست^{۷۴} دولت ایران برای جلوگیری از گسترش کار کشیشان امریکایی و برقراری نظم و امنیت در سرحدات شمال غربی - برای کاهش خطر نفوذ عثمانیها - سیاستهای زیر را در پیش گرفت:

- از کشیشان پروتستان امریکایی تعهد مکتوب گرفت که اطفال ارامنه و نستوری را که در ارومیه و روستاهای اطراف مشغول درس خواندن هستند همگی در مذهب اول خودشان باقی و برقرار باشند^{۷۵}

- از کشیشان و روحانیون ارمنی، نستوری و کاتولیک تبعه ایران التزام گرفت که به فرمان کشیشان پروتستان امریکایی برای تبلیغ مذهب پروتستان به میان مردم نروند.^{۷۶}

- مکتب خانه های کشیشان ینگلی دنیا زیاد از سی باب و عدد اطفال بیش از ۱۵۰ نفر نباشد^{۷۷}

به نظر می‌رسد دلایل توفیق میسیونرهای پروتستان امریکایی در گسترش مدارس

ارومیه و روستاهای ذیل به عوامل ذیل مربوط است:

- حمایتهای خارجی به ویژه سفارت انگلیس^{۷۸}

- ضعف کارگزاران ایرانی.

- پذیرش کلیه مخارج اطفال در حال تحصیل و بر طرف کردن بخشی از مشکلات مالی خانواده‌های آنان.

- آموزش مجانی علوم مختلف به ویژه یادگیری زبانهای خارجی توسط اطفال.

- عدم حمایت لازم کارگزاران محلی و منطقه‌ای از سوی دولت به دلایل نبودن استراتژی واحدی در مقابل میسیونرهای خارجی.

- داشتن برنامه منظم توسط میسیونرهای امریکایی به ویژه پرکینز برای جذب نستوریها^{۷۹}

- امکانات مالی گسترده میسیونرهای پروتستان امریکائی.^{۸۰}

پی‌نوشت‌ها

- ۱- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد سال ۱۳۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۲
- ۲- هما ناطق، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱
- ۳- جان الدر، ۱۳۳۳، صص ۴-۵.
- ۴- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۲-۵
- ۵- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد سال ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۲
- ۶- جان الدر، ۱۳۳۳، صص ۹-۱۱
- ۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد سال ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴
- ۸- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد سال ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴ / ۱
- ۹- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴.
- ۱۰- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۳۲
- ۱۱- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۴
- ۱۲- جان الدر، ۱۳۳۳ ص ۳۲
- ۱۳- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد سال ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵ پرونده ۱۳، سند ۱۲-۱۳
- ۱۴- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۲
- ۱۵- جان الدر، ص ۳۳
- ۱۶- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۴-۶/۱-۴.
- ۱۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴

- ۱۸- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۲
- ۱۹- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۱
- ۲۰- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۱.
- ۲۱- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۱
- ۲۲-هما ناطق، ۱۹۸۸، ص ۱۸۵
- ۲۳- عباس اقبال، ۱۳۲۵، ص ۶۱
- ۲۴- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۲.
- ۲۵-جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۱.
- ۲۶- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۴-۱۳
- ۲۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۲ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۲
- ۲۸- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴.
- ۲۹-جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۱-۱۰.
- ۳۰- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۲ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۲.
- ۳۱- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۲۹ و ۱۰
- ۳۲- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۴
- ۳۳- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد سال ۱۲۶۹ ق، ک ۷، پرونده ۲۶، سند ۲؛ ۱۲۵۶ ق، ک ۵، پ ۱۳، س ۱۲.
- ۳۴- جهت اطلاع بیشتر درباره لازاریست‌های فرانسوی در ایران نک:

حسین احمدی، «لازاریست های فرانسوی در ایران، بررسی زمینه‌ها و عملکرد حضور، تاریخ معاصر ایران، سال سوم، شماره ۱۱ (پائیز ۱۳۷۸)؛ حسین احمدی، «کمک پاپ به میسیونرهای لازاریست»، گنجینه اسناد، سال چهاردهم، شماره ۵۶ (زمستان ۱۳۸۳)؛ حسین احمدی، «لازاریستها در چهارباغ»، تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره ۳۲ (زمستان ۱۳۸۳)؛ حسین احمدی، «لازاریستها و سازماندهی مجدد (خرید خانه در ارومیه)»،

دانشنامه، شماره ۵۶ (بهار ۱۳۸۴)؛ حسین احمدی، لازاریستها و کاتولیکهای کردستان، تاریخ معاصر ایران، سال نهم، شماره ۳۴ (تابستان ۱۳۸۴).

۳۵- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳

۳۶- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۲.

۳۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۲

۳۸- حسین احمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۲-۱۵۵

۳۹- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۳۰

۴۰- بهمن میرزا، ۱۳۸۴، ص ۱۹-۵

۴۱- ۱ آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۱

۴۲- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۹.

۴۳- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۲

۴۴- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۲۹.

۴۵- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۵

۴۶- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۷.

۴۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۳

۴۸- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۴

۴۹- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۵

۵۰- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۳

۵۱- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۲

۵۲- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۵

۵۳- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۹/۱

۵۴- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۵

۵۵- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۱

۵۶- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۱

- ۵۹- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۳
- ۵۸- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۲
- ۵۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۳
- ۶۰- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴
- ۶۱- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، سند ۲۶، پرونده ۲.
- ۶۲- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۳
- ۶۳- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۲.
- ۶۴- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن پرونده ۱۳، سند ۷.
- ۶۵- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۱
- ۶۶- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴/۱
- ۶۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴
- ۶۸- جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۲۲
- ۶۹- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۳؛ س ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۳
- ۷۰- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۳
- ۷۱- کرزن، ۱۳۷۳، ص ۶۸۸ و ۶۹۳؛ جان الدر، ۱۳۳۳، ص ۳۲ - ۳۰
- ۷۲- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۱ و ۱۲
- ۷۳- کرزن، ۱۳۷۳، ص ۶۸۸
- ۷۴- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴
- ۷۵- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۵۶ قمری، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۲
- ۷۶- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴
- ۷۷- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۴.
- ۷۸- کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۸۸.

۷۹- آرشیواسناد وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۶۹ قمری، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۲؛ س

۱۲۵۶ق، ک۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۱

۸۰- کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۸۸

منابع :

الف: کتابها

- احمدی، حسین: اسنادی از روابط ایران و فرانسه (پس از مشروطه تا پایان قاجار). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.
- الدر، جان: تاریخ میسیون امریکایی در ایران. ترجمه سهیل آذری. تهران: انتشارات نور جهان، ۱۳۳۳.
- بهمن میرزا: شکرنامه شاهنشاهی (تاریخ ششصدساله قفقاز). به کوشش حسین احمدی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۴.
- کرزن، جرج. ن: ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. جلد اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ناطق، هما: ایران در راه یابی فرهنگی. لندن: انتشارات پیام، ۱۹۸۸.
- ناطق، هما: کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (۱۹۲۱-۱۸۳۷). تهران: انتشارات معاصر پژوهان، ۱۳۸۰.

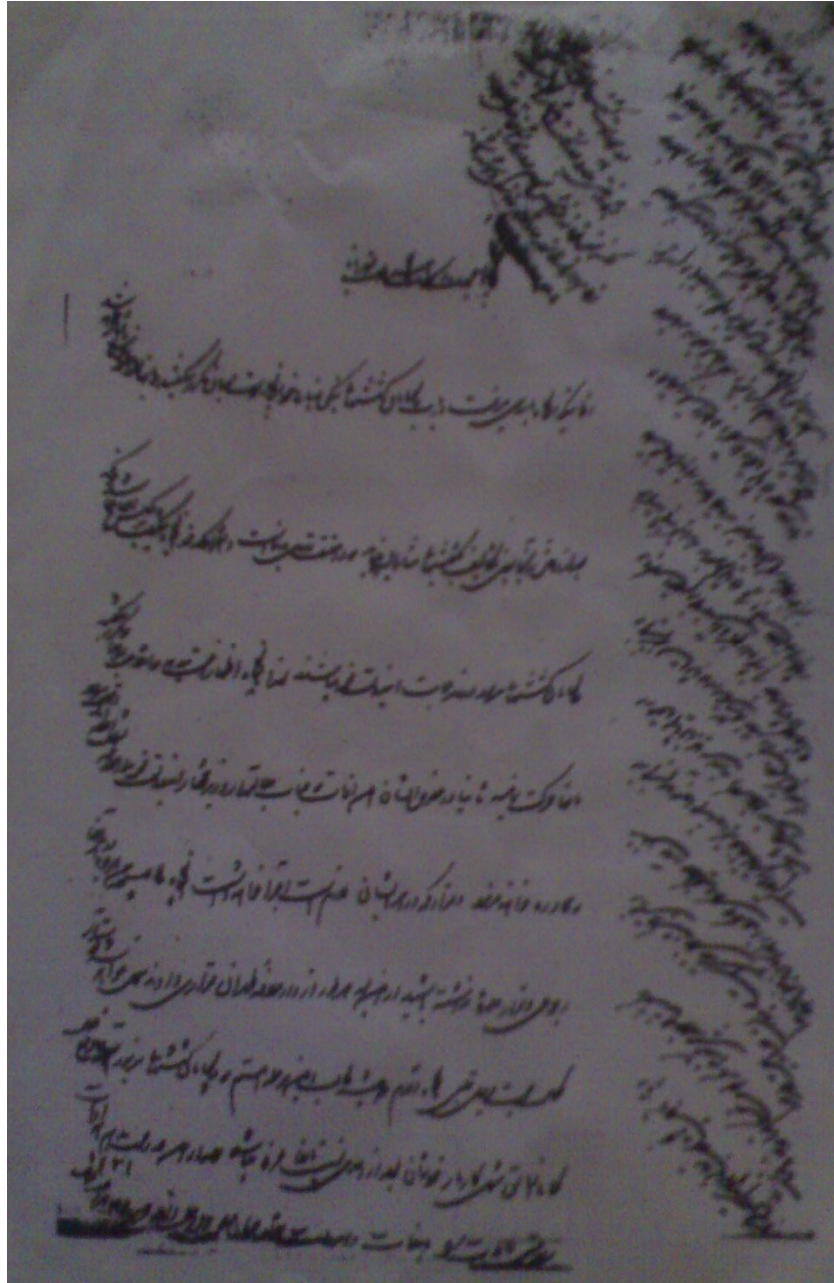
ب: مقاله ها

- احمدی، حسین. کمک پاپ به میسیونرهای لازاریست در ایران پس از جنگ اول جهانی. گنجینه اسناد سال ۱۴، شماره ۵۶ (زمستان ۱۳۸۳).
- احمدی، حسین: «لازاریستها در چهارباغ». تاریخ معاصر ایران. سال هشتم. شماره ۳۲ (زمستان ۱۳۸۳).
- احمدی، حسین: «لازاریستهای فرانسوی در ایران» (بررسی زمینه‌های عملکرد حضور). تاریخ معاصر ایران، سال سوم. شماره ۱۱ (پائیز ۱۳۷۸).
- احمدی، حسین. «لازاریستها و سازماندهی مجدد» (خرید خانه در ارومیه)، دانشنامه. شماره ۵۶ (بهار ۱۳۸۴).

- احمدی، حسین: «لازاریستها و کاتولیکهای کردستان»، تاریخ معاصر ایران، سال ۹ شماره ۳۴ (تابستان ۱۳۸۴).
- اقبال، عباس: «داستانی از مبلغین عیسوی در ایران»، یادگار، سال سوم، شماره ۶ و ۷ (بهمن و اسفند ۱۳۲۵).

ج: اسناد

- اسناد وزارت خارجه ایران. سال ۱۲۵۶ق، کارتن ۵، پرونده ۱۳، سندهای ۴/۱ - ۴/۲-۴/۳-۴/۴-۴/۵-۴/۶-۴/۷-۴/۸-۴/۹-۴/۱۰-۴/۱۱-۴/۱۲-۴/۱۳.
- اسناد وزارت خارجه ایران. سال ۱۲۶۹ق، کارتن ۷، پرونده ۲۶، سندهای ۴-۲-۱-۱.
- .۵



Handwritten manuscript in Persian script, featuring musical notation on staves and dense text. The text is written in a cursive style, likely from the 19th century. The manuscript is divided into several sections, with the top part containing a title and introductory text, followed by musical notation on staves, and then more text at the bottom. The right side of the page contains a vertical column of text, possibly a list or a separate section of the manuscript.